



## **معاونت پژوهشی و آموزشی**

**دفتر برنامه‌ریزی و توسعه آموزش عالی**

### **احکام زندگی در اسلام**

**تدوین:** محمود شهرابی فراهانی

**زیر نظر:** حجت السلام والمسلمین سید جواد موسوی هوایی

**با همکاری:** داوود میرزایی مقدم و سید احمد میر دامادی

**ناشر:** معاونت

**نوبت انتشار:** اول - ۱۳۸۸

حق نشر برای معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی محفوظ است.

تهران، خیابان ولی عصر (عج)، خیابان زرتشت غربی، شماره ۲، تلفن: ۸۸۸۹۶۲۳۰

پایگاه اطلاع‌رسانی: [www.pajouhe.ir](http://www.pajouhe.ir)

# درس اول

## فلسفه تکلیف

سؤالات اساسی درس :

۱. معنای تکلیف چیست ؟

۲. فلسفه تکلیف چیست ؟

تکلیف در لغت به معنای واگذار کردن کاری دشوار به دیگری و در اصطلاح به معنای رسیدن پسر و دختر به سنّ بلوغ و رشد است.<sup>۱</sup>

از نظر اسلام، وقتی پسر و دختر به سنّ بلوغ رسیدند، اگر سایر شرایط تکلیف را دارا باشند، باید مقررات الهی را بدقت رعایت کنند. این مقررات شامل: واجبات (یعنی کارهایی که خداوند انجام آنها را از انسان خواسته و محرمات (یعنی کارهایی که خداوند آنها را ممنوع کرده است)، می شود.

از آنجا که مقررات الهی برای انسان، محدودیت ایجاد می کند و اجرای آن، بخصوص در آغاز بلوغ، دشوار است، به مقررات الهی تکلیف گفته می شود، وقتی انسان به سنّی رسید که رعایت این مقررات بر او لازم شد، می گویند: به تکلیف رسید و مکلف شد.

### فلسفه تکلیف

سؤال این است که چرا خداوند برای زندگی انسان، مقررات وضع کرده و بدین وسیله انسان را محدود نموده است؟

---

۱. «كَلَفَهُ الشَّيْءُ إِذَا أَمَرَهُ بِهَا يَشُقُّ عَلَيْهِ» (نهایه، ابن اثیر)

برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید بدانیم که انسان چگونه موجودی است؟  
امام علی(ع) می فرماید:

خداوند در فرشته، عقل را بدون شهوت قرار داد و در حیوانات، شهوت را بدون عقل نهاد و در انسان، عقل و شهوت را ترکیب کرد. با این ترکیب، کسی که عقلش بر شهوتش چیره شود، بهتر از فرشته است و کسی که شهوتش بر عقلش پیروز گردد، از حیوانات بدتر است.<sup>۱</sup>

تفسیر انسان به «ترکیبی از فرشته و حیوان و آمیخته ای از عقل و شهوت» تصویر روشنی است از حقیقت ناشناخته انسان.

بی تردید، جز آفریدگار انسان، کسی حقیقت این موجود پیچیده و شگفت را نمی شناسد و استعدادها و نیازهای واقعی او را نمی داند و در نتیجه، نمی تواند برای تکامل انسان، برنامه ریزی کند.<sup>۲</sup>

تکلیف، برنامه آفریدگار جهان برای تکامل انسان است.

عقل، انسان را در راه رسیدن به تکامل - که فلسفه آفرینش اوست - به باورهای درست، اخلاق و رفتار نیک می خواند؛ در مقابل، شهوت او را به باورهای نادرست، اخلاق و رفتار ناپسند می کشاند.

تکلیف، انسان را از چنگال هوسهای سرکش و نیازهای دروغین رها می کند و در راهی که عقل می پسندد، قرار می دهد.

امام (ع) در نصیحتهای خود به فرزندش امام مجتبی(ع) فرمود:

خداوند جز به نیکی، به تو فرمان نداده و جز از بدی، تو را باز نداشته است.<sup>۳</sup>  
برنامه تکلیف، در واقع همان برنامه عقل برای تأمین سعادت و تکامل انسان است؛ واجبات، دعوت به نیکها و محرّمات، بازداشتن از بدیهاست.

---

۱. علل الشرایع، صفحه ۴

۲. محمدی ری شهری، فلسفه وحی، صفحه ۵۵

۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱

همچنین آن حضرت می فرماید :

اگر خداوند مردم را از محرّمات خود نهی نمی کرد، بر انسان عاقل واجب بود که از آنها اجتناب کند.<sup>۱</sup>

فرمان قطعی عقل، برای انسان کافی است و خداوند متعال نیز جز کارهای زشت را ممنوع نکرده است. از این رو، امام معصوم می فرماید: حتی اگر خداوند کارهای ناپسند را ممنوع نساخته بود، افرادی که فرمان عقل را می پذیرند، مرتکب کارهای زشت نمی شدند.

امام علی(ع) این مسأله مهم را با صراحت بیشتر چنین توضیح می دهد:  
به فرض اینکه در ما امید بهشت و ترس از آتش دوزخ نباشد و به ثواب و عقاب الهی عقیده نداشته باشیم، باز هم سزاوار است در پی ارزشهای اخلاقی باشیم، زیرا این کار، آدمی را به راه موفقیت و پیروزی هدایت می کند .  
عثمان بن مظعون از اصحاب پیامبر خدا(ص) داستان آشنا شدن خود را با اسلام چنین تعریف می کند:

من در آغاز که مسلمان شدم، به دلیل اصرار فراوان پیامبر(ص) بود، بدین گونه که حیا موجب پذیرفتن پیشنهاد پیامبر(ص) شد. من در واقع، اسلام را باور نکرده بودم، تا اینکه یک روز خدمت آن حضرت بوم که حالت وحی به ایشان دست داد. دیدم مدّتی چشم به آسمان دوخت؛ گویا چیزی دریافت می کند. پس از زوال این حالت، حال آن حضرت را پرسیدم. فرمود: در حالی که با تو سخن می گفتم، ناگاه جبرئیل این آیه را برایم آورد:  
بییقین، خدا به عدل و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از فحشا و ناپسند و ستم باز می دارد، شما را اندرز می دهد که پند پذیرید.

---

۱ . غررالحکم، ج ۵، ص ۱۱۷، حدیث ۷۵۹۵



وقتی پیامبر( ص ) این آیه را برایم خواند، اسلام در دلم استقرار یافت و در حقیقت، ایمان آوردم. بی درنگ نزد عموی پیامبر( ص ) آمدم و جریان را با او در میان گذاشتم. ابوطالب با شنیدن سخنان من، به قبیله قریش چنین فرمود: ای خاندان قریش، از محمد پیروی کنید، زیرا او شما را به چیزی جز اخلاق ستوده دعوت نمی کند.

### تسلیم، بزرگترین فلسفه تکلیف

بدون شک، دستورهای خدا و احکام شرع، دارای فلسفه و دلیل است، ولی لازم نیست در تمام احکام و فرمان‌های الهی، در پی یافتن دلیل اقتصادی، بهداشتی، و علمی آن باشیم. مسلمان، باید در برابر فرمان وحی، تسلیم باشد و این روحیه تسلیم و پذیرش، کمال آدمی است و برخی از دستورها برای آزمودن روح تسلیم و بندگی است. فرمان خداوند به ابراهیم، برای قربانی کردن اسماعیل، نمونه‌ای از آن است و نشانه‌ی کمال بندگی است. آنگونه که همیشه در راه رفتن، مقصود ما رسیدن به جایی نیست، گاهی خود «راه رفتن» هدف است، مثل راه پیمایی یا پیاده‌روی برای ورزش یا دویدن در مسابقه که هدف، دویدن است نه رسیدن به جایی. در دستورهای عبادی و احکام الهی هم، گاهی هدف، تسلیم و پذیرش دستور و تمرین برای جلب رضایت معبود و اطاعت محض از آفریدگار است. هدف عبادات، پرورش روح انسان است، آنگونه که حرکات ورزشی برای تربیت جسم است. امام علی ( ع ) می‌فرمایند:

خدایا افتخارم همین بس که بنده تو هستم.<sup>۱</sup>

در مناجات شعبانیه می‌خوانیم:

خدایا اگر مرا به دوزخ افکنی، به دوزخیان اعلام خواهم کرد که من تو را دوست دارم....!

---

<sup>۱</sup> . بحار الانوار، جلد ۷۴، صفحه ۴۰۲.

«علی ( ع ) اعلام می‌دارد که خدایا، عبادت من، نه از روی طمع به بهشت یا ترس از دوزخ است، بلکه تو را شایسته عبادت یافته‌ام و می‌پرستم». اولیاء خدا از عبادت او لذّت می‌برند و گناهکاران از شیرینی عبادت و یاد خدا محرومند. گاهی کسی علاقه دارد خدمتگزاری کسی را بکند. بدون آنکه چشمداشت مالی و هدف اقتصادی داشته باشد. خود خدمت به آن شخصیت والا، برایش هدف و ارزشمند است، و نه حتی کسب دانش یا کسب وجهه و رسیدن به موقعیت اجتماعی. بسیاری کسانی که از نشستن در کنار یک شخصیت یا داشتن عکس با او، خوشحال می‌شوند، هر چند نفعی برایشان نداشته باشد. خود این نزدیکی برایشان محبوب است. وقتی برای انسان‌ها در این دنیا، اینگونه امور، گرانبهاست، بندگی خدا و در محضر الهی بودن مایه افتخار نیست؟

## درس دوم

### فلسفه عبادات

سؤالات اساسی درس :

۱. علل بندگی انسان چیست ؟

۲. فلسفه عبادت چیست ؟

عبادت به معنای اظهار ذلت، عالی‌ترین نوع تذلل و کرنش در برابر خداوند است. در اهمیت آن، همین بس که آفرینش هستی و بعثت پیامبران (عالم تکوین و تشریح) برای عبادت است .

خداوند می‌فرماید: «و ما خلقت الجنّ و الانس الاّ ليعبدون»<sup>۱</sup>  
هدف آفرینش هستی و جن و انس، عبادت خداوند است.

کارنامه همه انبیاء و رسالت آنان نیز، دعوت مردم به پرستش خداوند بوده است:

«و لقد بعثنا فی کلّ امّۀ رسولاً أن اعبدوا الله و اجتنبوا الطّاغوت»<sup>۲</sup>  
پس هدف از خلقت جهان و بعثت پیامبران، عبادت خدا بوده است.  
روشن است که خدای متعال، نیازی به عبادت ما ندارد، «فانّ الله غنی عنکم»<sup>۳</sup>  
و سود عبادت، به خود پرستندگان بر می‌گردد، همچنانکه درس خواندن شاگردان به نفع خود آنان است و سودی برای معلّم ندارد.

---

<sup>۱</sup> . ذاریات ، ۵۶

<sup>۲</sup> . نحل ، ۳۶

<sup>۳</sup> . زمر ، ۷

آنچه انسان را به پرستش و بندگی خدا وا می‌دارد (یا باید وادار کند) اموری است، از جمله:

## ۱- عظمت خدا

انسان وقتی خود را در برابر عظمت و جلال خدایی می‌بیند، نا خود آگاه در برابر او احساس خضوع و فرو تنی می‌کند. آن سان که در برابر یک دانشمند و شخصیت مهم، انسان خویشتن را کوچک و ناچیز شمرده، او را تعظیم و تکریم می‌کند.

## ۲- احساس فقر و وابستگی

طبیعت انسان چنین است که وقتی خود را نیازمند و وابسته به کسی دید، در برابرش خضوع می‌کند.

وجود ما بسته به اراده خداست و در همه چیز، نیازمند به اویم. این احساس عجز و نیاز، انسان را به پرستش خدا وا می‌دارد. خدایی که در نهایت کمال و بی نیازی است. در بعضی احادیث است که اگر فقر و بیماری و مرگ نبود، هرگز گردن بعضی نزد خدا خم نمی‌شد.

## ۳- توجه به نعمت‌ها

انسان، همواره در برابر برخورداری از نعمت‌ها، زبان ستایش و بندگی دارد. یاد آوری نعمت‌های بیشمار خداوند، می‌تواند قوی‌ترین انگیزه برای توجه به خدا و عبادت او باشد. در مناجات‌های امامان معصوم، معمولاً ابتدا نعمت‌های خداوند، حتی قبل از تولّد انسان، به یاد آورده می‌شود و از این راه، محبت انسان به خدا را زنده می‌سازد آنگاه در خواست نیاز از او می‌کند. خداوند هم می‌فرماید: «فلیعبدوا ربَّ هذا البیت، الذی أطعمهم من جوعٍ و ءامنهم من خوفٍ»<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup>. قریش ۳ و ۴

مردم پروردگار این کعبه را بپرستند، او را که از گرسنگی سیر شان کرد و از ترس، ایمنشان نمود.

در آیه‌ای دیگر است که پروردگارتان را بندگی کنید، چون شما را آفرید.

## ۴- فطرت

پرستش، جزئی از وجود و کشش فطری انسان است. این روح پرستش، که در انسان فطری است، گاهی در مسیر صحیح قرار گرفته و انسان به «خدا پرستی» می‌رسد، و گاهی انسان در سایه جهل یا انحراف، به پرستش سنگ و چوب و خورشید و گاو و پل و ماشین و همسر و پرستش طاغوت‌ها کشیده می‌شود.

انبیاء برای ایجاد حسّ پرستش نیامده‌اند، بلکه بعثت آنان، برای هدایت این غریزه فطری به مسیر درست است.

علی (ع) می‌فرماید: «فبعث الله محمداً بالحقّ ليخرج عباده من عبادة الأوثان الى عبادة»<sup>۱</sup> خداوند، محمد (ص) را به حق فرستاد، تا بندگانش را از بت‌پرستی، به خدا پرستی دعوت کند.

بیشتر آیات مربوط به عبادت در قرآن، دعوت به توحید در عبادت می‌کند، نه اصل عبادت. زیرا روح عبادت در انسان وجود دارد. مثل میل به غذا که در هر کودکی هست، ولی اگر راهنمایی نشود، به جای غذا، خاک می‌خورد و لذّت هم می‌برد!

اگر رهبری انبیاء نباشد، مسیر این میل فطری منحرف می‌شود و به جای خدا، معبودهای دروغین و پوچ پرستیده می‌شود. آنگونه که در نبود حضرت موسی (ع) و غیبت چهل روزه‌اش، مردم با اغوای سامری، به پرستش گوساله‌ی طلایی سامری روی آوردند.

---

<sup>۱</sup>. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷

## فلسفه عبادات

احکام و برنامه‌های عبادی اسلام، همه حکمت و فلسفه دارد: اولاً: به دلیل صدها آیه و حدیث، که مردم را به تعقل و تفکر فرا می‌خواند و هیچ مکتبی به اندازه اسلام به اندیشیدن دعوت نکرده است. ثانیاً: یکی از انتقادهای شدید قرآن بر مشرکان و بت پرستان، تقلید کور کورانه و بی دلیل از نیاکان است.

ثالثاً: خود قرآن، بارها در کنار بیان احکام و دستورها، به دلیل آن هم اشاره کرده است. امامان معصوم نیز در روایات، به بیان این حکمت‌ها پرداخته‌اند و دانشمندان اسلام، گاهی به تألیف کتاب‌هایی پیرامون این موضوع اقدام کرده‌اند<sup>۱</sup>.

به علاوه، با پیشرفت دانش بشری، روز به روز پرده از اسرار احکام الهی و دستورهای دینی برداشته می‌شود و هر چه از عمر اسلام می‌گذرد، بر عظمت و جلوه آن افزوده می‌گردد.

با توجه به همه نکات فوق، یاد آور می‌شود که:

۱- لازم نیست دلیل همه احکام را، همه مردم در همه زمان‌ها بدانند. گاهی دلیل برخی از آن‌ها الآن روشن نیست ولی گذشت زمان، آنرا روشن می‌سازد.  
۲- در فلسفه احکام، تنها نباید نظر به فواید و آثار مادی آن‌ها داشت و تنها به بعد اقتصادی و بهداشتی و... توجه کرد و از آثار روحی و معنوی آخرتی آن غافل بود.

۳- کسی که خدا را حکیم و دستورهایش را بر اساس حکمت می‌داند، نباید بخاطر اینکه امروز دلیل حکمی را نمی‌داند از انجام آن تخلف کند. مریض، اگر

---

<sup>۱</sup> . مانند: علل الشرایع از صدوق و دهها کتاب درباره‌ی اسرار نماز و حج و... .

بگوید: تا از خواص دارو آگاه نشوم مصرف نمی‌کنم، از درد خواهد مرد. البته باید دارو را مصرف کند و در صدد شناخت هم باشد.

۴- در هر جا که از قرآن و حدیث، دلیل محکمی بر فلسفه حکمی نداریم، بهتر است ساکت باشیم و با یک سری توجیهات و حدیثات دلیل تراشی نکنیم. ۵- اگر از بعضی اسرار جهان هستی آگاه شدیم، مغرور نشویم و توقع نداشته باشیم که دلیل همه چیز را بدانیم.

۶- از مدار عادی خارج نشویم و به دامن وسوسه‌ها نیفتیم، همچنانکه مردم در مراجعه به پزشک، خود را در اختیار او قرار می‌دهند یا برای تعمیر اتومبیل خود، مکانیک را سؤال پیچ نمی‌کنند (چون به آگاهی پزشک و مکانیک، اعتقاد و باور دارند) در مسائل دینی هم که به قانون خدا گردن می‌نهند، باید بپذیرند و عمل کنند. چرا که خداوند، هم مهربان‌تر است، هم داناتر و حکیم‌تر. هم آینده را می‌داند، و هم آثار ظاهری و باطنی و نهان و آشکار را.

۷- اگر گوشه‌ای از اسرار حکم خدا را دانستیم، نباید خیال کنیم بر همه اسرار واقف گشته‌ایم. آنکه دست خود را در دریا فرو می‌برد، حق ندارد پس از بیرون آوردن دستش، به مردم بگوید: این همه آب دریاست، بلکه باید بگوید: از آب دریا، این مقدار به سر انگشت من رسیده است. آنکه فلسفه‌ی حکمی را بفهمد، نمی‌تواند خیال کند که آنچه فهمیده، تمام است و دیگر جز آن چیزی نیست. مگر با عقل و فکر محدود انسانی، می‌توان به عمق احکامی که از علم بی انتهای خدا سر چشمه گرفته، پی برد؟

۸- همان عقلی که ما را به فهمیدن فلسفه‌ی احکام دعوت می‌کند، همان می‌گوید: اگر جایی ندانستی، از آگاهان با تقوا بپرس. این همان تعبد در مقابل اولیاء دین است.

اینک، پس از این مقدمات، نمونه‌هایی را از قرآن و حدیث نقل می‌کنیم که اشاره به فلسفه احکام دارد.

## اما قرآن:

درباره‌ی نماز می‌گوید: نماز، انسان را از فحشاء و منکر باز می‌دارد.  
در جای دیگر می‌گوید: نماز را برای یاد و توجّه به من بپا دار.  
و در جای دیگر: با یاد خدا، دل‌ها آرام می‌گیرد.  
درباره روزه می‌گوید: روزه بر شما واجب شد، تا آنکه اهل تقوا شوید. چون  
بیشتر گناهان، از فوران غریزه‌ی غضب و شهوت است.  
روزه، جلوی طغیان آنها را می‌گیرد و تقوا پدید می‌آورد. و به همین جهت،  
آمار جنایات و جرایم در ماه رمضان کاهش می‌یابد.  
درباره‌ی حج می‌گوید: به زیارت حج بروند، تا منافعی فراوان بدست آورند.  
فوائد و آثار اجتماعی و سیاسی حج، چیزی نیست که جای شک و شبهه باشد.  
درباره زکات می‌گوید: از مردم و اموالشان زکات بگیر، تا آنان را (از روح بخل  
و دنیا پرستی) پاک کنی.  
درباره قمار و شراب می‌گوید: شیطان توسط آنها میان شما دشمنی و کینه  
برقرار می‌کند و شما را از یاد خدا دور می‌سازد.  
و قصاص را، مایه حیات اجتماع می‌داند چرا که در جامعه، اگر جنایتکار، به  
کیفر نرسد، آن جامعه مرده و جنایت پرور و مظلوم کوب می‌شود و امنیت (که  
حیات اجتماعی است) از میان می‌رود.  
این‌ها نمونه‌هایی از آیات قرآن بود که به آثار و حکمت‌های احکام الهی  
اشاره داشت.  
اما حدیث:

از میان انبوه احادیث درباره‌ی این موضوع، تنها به چند جمله از یکی از  
سخنان امیر المؤمنین (ع) در نهج البلاغه اشاره می‌کنیم:  
«فرض الله الايمان تطهيرا من الشرك و الصلوة تنزيهاً عن الكبر و الزكوة  
تسبيهاً للرزق...»



خداوند، ایمان را برای پاکسازی از شرک، واجب ساخت و نماز را برای پاک ساختن از تکبر، و زکات را بعنوان سبب سازی برای رزق و روزی و ایمان به خدا، انسان را از افکار شرک آلود و عشق‌های پوچ و تکیه‌گاه‌های ناتوان نجات می‌بخشد.

نماز، که توجه به سرچشمه‌ی همه بزرگی‌ها و استمداد از کانون قدرت و عظمت است، کبر را از انسان می‌زداید. زکات، مهره‌های از کار افتاده‌ی جامعه را به کار می‌اندازد و محرومان و ورشکستگان را به نوا و قدرت می‌رساند و مهر و عطوفت نسبت به مردم را در دل‌ها زنده می‌سازد و محبت مال و دنیا، از دل زکات دهنده بیرون می‌رود. بعلاوه، آن مقدار که با دادن زکات، از دارایی اش کم شده، با فعالیت اقتصادی بیشتر، می‌کوشد که آنرا جبران کند. طبیعی است آنکه خرجش زیاد باشد، به کار خود می‌افزاید. پس زکات، سبب رزق است. در این حدیث علوی به فلسفه و حکمت بیست حکم از احکام الهی، مانند روزه، امر به معروف، نهی از منکر، جهاد، تحریم خمر و زنا، اجرای حدود، اطاعت از امام و... اشاره شده است.

### تقلید و فلسفه آن

سؤالات اساسی درس :

- ۱ . معنای تقلید چیست ؟
- ۲ . پیشینه تقلید چه می باشد ؟
- ۳ . فلسفه تقلید چیست ؟

ذهن پرسشگر هر مسلمانی ، در جست و جوی فلسفه احکام شرعی است . شاید اهمیت آگاهی از فلسفه تقلید ، نسبت به دیگر احکام ، بیشتر باشد؛ زیرا اگر مکلف چربی بایستگی تقلید را دریافت ، باب استفاده از فتاوی مجتهد ، به روی او باز می شود .

#### واژه شناسی

تقلید به معنای پیروی و دنباله روی است و در اصطلاح فقهی عمل کردن به آنچه مجتهد در مسائل شرعی فتوا می دهد گفته می شود .

#### پیشینه تقلید

مراجعه به فقیه و اسلام شناس جهت آگاهی به احکام الهی و اطمینان نسبت به درستی اعمال ، ریشه در تاریخ صدر اسلام و عصر ائمه ( ع ) دارد و طبق نظر برخی از بزرگان ، دو آیه در این زمینه نازل شده است آنجا که خداوند متعال می فرماید :

اگر نمی دانید از آگاهان پرسید .<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> . انبیا ، ۷

در جای دیگر می فرماید :

شایسته نیست مومنان همگی کوچ کنند ؛ چرا ازهر گروهی ، طایفه ای از آنان کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آنها را انذار نمایند تا بترسند و خودداری کنند .<sup>۱</sup>

تردیدی نیست که تفقه در این آیه ، مفهومی گسترده دارد و شامل معارف و احکام اسلام - اعم از اصول و فروع دین - می شود . از سوی دیگر مردم به پذیرش سخنان این گروه - که در حوزه دین تربیت و پرورش یافته اند - دعوت شده اند و این همان رجوع به فقیه و اهل خبره است .

رسول اکرم ( ص ) برخی از صحابه را برای تبلیغ و تعلیم احکام دین به سرزمین های اطراف می فرستاد . مصعب بن عمیر و معاذ بن جبل از نمونه های بارز آن به شمار می آیند . آن حضرت می فرمود : از افتا بدون علم خودداری کنید که لعن فرشتگان را به دنبال خواهد داشت .<sup>۲</sup>

این امر نشانگر آن است که فتوا دادن از سوی فقیه ، تقلید و پیروی کردن از طرف مردم ، در عصر پیامبر ( ص ) مطرح بوده است و رجوع به فقیه پس از رحلت آن حضرت نیز همانند گذشته ادامه داشت تا آنکه در دوران امام باقر و امام صادق ( ع ) فزونی گرفت . فقیهان بی شماری در مکتب آن دو بزرگوار ، تربیت و پرورش یافتند و به منظور احیا و تعلیم احکام ، به شهرهای مختلف کوچ کردند و بسیاری از مردم - که شیفته و تشنه معارف و احکام الهی بودند و در نقاط دور دست زندگی می کردند و دستشان از اهل بیت ( ع ) کوتاه بود - به سراغ آنان می رفتند و مسائل خود را از ایشان می پرسیدند و از علم بی کران

---

<sup>۱</sup> . توبه ، ۱۲۲

<sup>۲</sup> . وسائل الشیعه ، ج ۲۷ ، باب ۴ و ۷

ائمه ( ع ) سیراب می گشتند . این همان تقلید است که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم :

۱ . حضرت امام محمد باقر ( ع ) به ابان بن تغلب می فرماید :  
در مسجد مدینه بنشین و به مردم فتوا بده زیرا دوست دارم در میان شیعیانم کسانی همچون تو باشند .<sup>۱</sup>

۲ . شعیب عرقوقی می گوید : به امام صادق ( ع ) عرض کردم :  
گاهی ما می خواهیم سؤال و مشکل دینی خود را از کسی بپرسیم شما بگویید به چه کسی رجوع کرده و سخن او را بپذیریم ؟  
حضرت فرمود : شما می توانید به ابوبصیر مراجعه کنید .<sup>۲</sup>

۳ . حضرت مهدی ( ع ) در توقیع شریف معروف خود به اسحاق بن یعقوب به عنوان یک قاعده کلی ، این چنین می نگارد : در پیشامدهایی که رخ می دهد به روایان احادیث ما مراجعه کنید که آنها حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر ایشان .<sup>۳</sup>

### بایستگی تقلید

در شریعت اسلام ، واجبات و محرماتی وجود دارد که خدای حکیم ، آنها را برای سعادت دنیا و آخرت انسان تشریع کرده است . اگر انسان از این دستورات اطاعت کند به سعادت مطلوب می رسد وگرنه از عذاب سزایی از آنها در امان نیست .

از سوی دیگر ، هر مسلمانی نمی تواند به آسانی ، احکام شرعی را از قرآن و روایات و یا از عقل خود دریابد . قرآن مانند یک مجموعه قوانین یا رساله عملیه نیست که احکام شرعی را به طور مدون و تفصیلی و با وضوح و صراحت کامل

---

<sup>۱</sup> . مستدرک الوسائل ، ج ۱۷ ، باب ۱۱

<sup>۲</sup> . وسائل الشیعه ، ج ۲۷ ، باب ۱۱

<sup>۳</sup> همان

و ذکر همه خصوصیات و جزئیات ، بیان کرده باشد . عقل غیر متخصص ، هرگز نمی تواند همه احکام مورد نیاز را با مراجعه مستقیم به قرآن و روایات دریابد .  
برای شناخت احکام شرعی ، آگاهی های فراوانی ، از جمله : آشنایی با منطق فهم آیات و روایات ، شناخت حدیث صحیح از غیر صحیح ، کیفیت ترکیب و جمع بین روایات و آیات و ده ها مسئله دیگر ، لازم است که آموختن آنها نیازمند سال ها تلاش جدی است . در چنین حالتی ، مکلف خود را در برابر سه راه می بیند :

- ۱ . راه تحصیل این علم را - که همان اجتهاد است - پیش بگیرد ؛
  - ۲ . در هر کاری آرای فقیهان را مطالعه کرده و به گونه ای عمل کند که طبق همه آنها ، عمل او صحیح باشد ( احتیاط کند ) ؛
  - ۳ . از رای کسی که این علوم را آموخته و در شناخت احکام شرعی متخصص است ، بهره جوید .
- بی شک اگر شخص به اجتهاد برسد کارشناس احکام شرعی شده و از دو ره دیگر بی نیاز است ؛ اما تا رسیدن به آن ، ناگزیر از دو راه دیگر است . راه دوم نیازمند اطلاعات کافی از آرای موجود در هر مسئله و روش های احتیاط آمیز است . این رویکرد در بسیاری از موارد ، به دلیل سختی احتیاط ، زندگی عادی انسان را مختل می کند . بنابراین راه سوم ، کاربرد رایج غالب و معقول بین مردم است .

روشن است که این سه راه ، اختصاص به برخورد انسان با احکام شرعی ندارد و هر مسئله تخصصی و پیچیده دیگر نیز چنین است .

### **آیا تقلید ، به معنای بی سوادی انسان است ؟**

بعضی افراد اشکال می کنند که تقلید به معنای رجوع جاهل به عالم است . علت اینکه مجتهدان تقلید را بر مردم واجب کرده اند ، این است که مردم را

جاهل و بی سواد می دانند! به همین جهت قشر تحصیل کرده، سراغ تقلید نمی روند و می گویند: اسلام، دین فطری بوده و امر فطری همگانی است (نه تخصصی)؛ پس چه ضرورتی دارد که حتما به مجتهد رجوع شود؟

در جواب باید گفت: اول اینکه «تقلید، رجوع جاهل به عالم است» هیچ بار منفی برای مقلد ندارد؛ زیرا جاهل در اینجا به معنای بی سواد نیست، بلکه جاهل نسبی و کسی است که در مسائل شرعی، مجتهد و کارشناس نیست؛ گرچه خودش در مسائل دیگری متخصص و کارشناس باشد و یا حتی در مسائل فقهی، از آگاهی خوبی برخوردار باشد.

خود مجتهدان نیز در مسائل دیگر، به متخصص رجوع می کنند و آن را از باب رجوع جاهل به عالم می دانند.

دوم اینکه مردم در زندگی روزمره خود، هرگاه به کاری نیاز پیدا کنند که تخصص کافی در آن ندارند، به کارشناس و خبره آن کار رجوع می کنند. پزشک برای تعمیر ماشین خود به مکانیک رجوع می کند و هیچگاه ناتوانی خود را در این زمینه، اهانت به خود نمی داند؛ زیرا رجوع به متخصص یعنی دنبال علم و دانش متخصصان رفتن. امروزه حتی بیشتر روحانیون در مسائل شرعی تقلید می کنند؛ زیرا یا هنوز به مقام اجتهاد نرسیده اند و یا وقت خود را در دیگر تخصص های علوم دینی، صرف می کنند.

سوم این مطلب که مجتهدان تقلید را بر مردم واجب کرده اند از دو جهت باطل است: ۱. بایستگی تقلید، مسئله ای است عقلی که هر خردمندی آن را در می یابد. ۲. آیات و روایات نیز به تقلید و به عبارت دیگر، پیروی از علم و آگاهی، دستور داده اند. قرآن می فرماید: اگر نمی دانید از آگاهان پرسید.

امام صادق (ع) می فرمایند : هرکس که از فقیهان خویشتن دار ، پاسدار دین ، مخالف هوای نفس و مطیع ام مولای خویش باشد ؛ بر دیگران ایت که از او پیروی و تقلید کنند.<sup>۱</sup>

### راه تشخیص اعلم :

مجتهد اعلم را از سه طریق می توان شناخت :

الف . خود شخص یقین کند .

ب . دو نفر عالم عادل — که می توانند مجتهد اعلم را تشخیص دهند — اعلم بودن او را تصدیق کنند .

ج . از گفته عده ای از اهل علم — که می توانند اعلم را تشخیص دهند — یقین یا اطمینان پیدا شود . **راه های دستیابی به فتوا :**

الف . شنیدن از خود مجتهد .

ب . شنیدن از کسی که انسان به گفته او اطمینان دارد .

ج . دیدن فتوا در رساله ای که مورد اطمینان باشد .

---

<sup>۱</sup> . وسائل الشیعه ، ج ۲۷ ، ص ۱۳۱

## درس چهارم

### ۱. احکام پوشش

### ۲. احکام خوردنی ها

سؤالات اساسی درس :

۱. اهمیت حجاب چیست ؟

۲. احکام خوردنی ها و آشامیدنیها با توجه به آیات و روایات چیست ؟

### اهمیت حجاب

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید :

و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار نکنند و روسری های خود را بر سینه خود افکنند.<sup>۱</sup>

حجاب در لغت به معنای پرده ، حاجب و پنهان کردن است و در اصطلاح « پنهان کردن زن از دید مرد بیگانه است ». آنچه دین اسلام بر زنان لازم دانسته همان پوشش است که در متون دینی و در کلام فقیهان ، از آن به ستر ، پوشش ، ساتر و پوشاننده تعبیر شده است .

حجاب و پوشش پیش از اسلام ، در میان برخی از ملت ها - از جمله ایرانیان باستان و قوم یهود - مطرح و از آنچه که در قانون اسلام آمده ، سخت تر بوده است.<sup>۲</sup>

این دستور در دین اسلام ، حدود سالهای چهارم و پنجم تشریع شده است .

---

<sup>۱</sup>. نور ، ۳۱

<sup>۲</sup>. مطهری ، مرتضی ، مساله حجاب ، صفحه ۲۱



حجاب ، یکی از احکام ضروری اسلام به شمار می آید و شیعه و سنی برآن اتفاق نظر دارند . خداوند متعال در این باره سه آیه <sup>۱</sup> در شهر مدینه نازل کرده و در دو مورد آن ، به مساله پوشش بانوان اشاره کرده است .<sup>۲</sup> علاوه بر این احادیث بسیاری درباره اهمیت و چگونگی حجاب نقل شده است .

حضرت علی ( ع ) می فرماید :

پوشیدگی زن به حالش ، بهتر است و زیبایی اش را پایدارتر می سازد .<sup>۳</sup>  
پوشش برای زن دو هدف و فلسفه اساسی دارد :

۱ . مصونیت زن در برابر طمع ورزی های هوس بازان .

۲ . پیشگیری از تحریکات شهوانی و تأمین سلامت و بهداشت جامعه .

در زمینه حجاب و پوشش ، توجه به چند نکته لازم است :

۱ . زن باید بدن و زیور آلات و آرایش خود و هرآنچه نزد عرف زینت محسوب می شود ، در برابر مرد نامحرم بپوشاند و تنها دست و صورت از آن استثنا شده است .

۲ . هرچند دین اسلام نسبت به نوع و رنگ و حتی دوخت لباس ، تاکید چندانی ندارد و تنها به اصل پوشش - اعم از چادر ، مانتو و مانند آن - تکیه کرده است ؛ ولی روشن است که لباس نباید تنگ ، نازک ، محرک ، بدن نما و باعث جلب توجه گردد . از این رو چادر ، برترین پوشش به شمار می آید . از مواردی که مشکی بودن آن مکروه نیست ؛ بلکه نشانه وقار و متانت است ، چادر و عبا می باشد که در روایات به آن اشاره شده است .

---

<sup>۱</sup> . نور ، ۳۱ و احزاب آیا ۳۳ و ۵۹

<sup>۲</sup> . نور ، ۳۱ و احزاب ۵۹

<sup>۳</sup> . مستدرک الوسائل ، جلد ۱۴ ، باب ۷۰

۳. پرهیز از نرمش در سخن که باعث طمع نامحرم شود و متانت در راه رفتن و استفاده نکردن از کفش هایی که باعث توجه نامحرم می گردد ، بخشی از حجاب زن را تشکیل می دهد .

۴. گرچه پوشش کامل برای مرد واجب نیست ؛ ولی نگاه زن به بدن او حرام است . همانگونه که پوشش صورت و دستها تا میچ بر زن ، واجب نیست ؛ ولی نگاه مرد به آن از روی شهوت حرام است.

### سؤالات شرعی:

۱. پوشیدن مانتوهایی که برجستگی های بدن را نمایان می سازد، چگونه است ؟

همه مراجع : اگر باعث تهییج شهوت باشد ، جایز نیست.

۲. آیا بر زن لازم است خود را در مقابل بچه نابالغ بپوشاند ؟

همه مراجع ( به جز آیات عظام بهجت ، تبریزی و مکارم شیرازی ) : اگر خوب و بد را می فهمد و احتمال می دهد که نگاهش به بدن زن ، موجب تحریک شهوتش شود ؛ بنابراین احتیاط واجب ، باید بدن و موی خود را از او بپوشاند.

آیت الله العظمی بهجت : اگر خوب و بد را می فهمد ، بنابر احتیاط واجب باید بدن و موی خود را از او بپوشاند .<sup>۱</sup>

آیات عظام تبریزی و مکارم شیرازی: خیر، لازم نیست؛ ولی بهتر است بدن و موی خود را از پسری هم که خوب و بد را می فهمد بپوشاند.

---

<sup>۱</sup> بهجت ، توضیح المسائل ، مساله ۱۹۳۷

## **خوردنی ها و آشامیدنی ها :**

خداوند متعال برای استفاده انسانها ، طبیعت زیبا و تمام حیوانات و میوه ها و سبزیجات را در اختیار آنها قرار داده است ، تا از آنها برای خوردن و آشامیدن و پوشاک و مسکن و سایر نیازهای خود بکار گیرند ، ولی برای حفظ جان انسانها و سلامتی جسم و روح آنها و بقای نسلها و احترام به حقوق دیگران ، قوانین ومقرراتی قرار داده است که در این درس به برخی از آنچه در رابطه با خوارکیها و آشامیدنیهاست می پردازیم :

### **انواع خوراکی ها :**

۱ . گیاهی :

الف : میوه ها

ب : سبزیجات

۲ . حیوانی :

الف : چهارپایان ( اهلی و وحشی )

ب : پرندگان

ج : آبزیان ( دریایی )

احکام :

**غذاهای گیاهی :**

تمام میوه ها و سبزیجات حلال است ، مگر آنچه برای بدن ضرر داشته باشد.

**غذاهای حیوانی :**

**چهارپایان :**

۱ . چهارپایان اهلی :

الف : حلال گوشت :

- انواع گوسفندان

- گاو

- شتر

**ب : خوردن گوشت آنها مکروه است :**

- اسب

- قاطر

- الاغ

**ج : خوردن گوشت آنها حرام است :**

- سگ

- گربه

- سایر حیوانات

**۲ . چهارپایان وحشی :**

**الف : حلال گوشت :**

- آهو ، گاو ، بز کوهی و گوره خر

**ب : حرام گوشت :**

- تمام حیوانات درنده مانند گرگ و پلنگ حرام می باشند .

**چند مساله :**

۱ . تمام حیوانات درنده ، حرام گوشت هستند ، هر چند از نظر قدرت درندگی ضعیف باشند ؛ مانند روباه .

۲ . خوردن گوشت خرگوش حرام است .

۳ . تمام انواع حشرات ، حرام می باشند .<sup>۱</sup>

**- پرندگان :**

---

<sup>۱</sup> . تحریر الوسیله ، جلد ۱ ، صفحه ۱۵۶

این دسته از پرندگان حلال گوشت هستند :  
تمام اقسام کبوترها ( قُمَری هم نوعی کبوتر است ) ، تمام اقسام گنجشکها ( بلبل هم نوعی گنجشک است ) ، مرغ و خروس .

**این دسته از پرندگان حرام گوشت هستند :**  
خفاش ، طاووس ، کلاغ (زاغ هم نوعی کلاغ است ) ، تمام پرندگانی که چنگال دارند مانند عقاب  
۴ . خوردن گوشت پرستو و هدهد<sup>۱</sup> مکروه است .  
۵ . تخم مرغ و سایر پرندگان حلال گوشت حلال و تخم پرندگان حرام گوشت

### **آداب غذا خوردن :**

#### **- مستحبات :**

- ۱ . دستها را قبل از غذا و پس از آن بشویید .
- ۲ . در اول غذا « بسم الله » و در پایان « الحمد لله » بگویید .
- ۳ . با دست راست غذا بخورید .
- ۴ . لقمه را کوچک بردارید .
- ۵ . غذا را خوب بجوید .
- ۶ . میوه را پیش از خوردن با آب بشویید .
- ۷ . میزبان پیش از همه شروع به غذا خوردن کند و بعد از همه دست بکشد .

#### **- مکروهات :**

- ۱ . در حال سیری غذا خوردن .
- ۲ . پرخوری کردن .

---

<sup>۱</sup> . آیت الله العظمی گلپایگانی احتیاط واجب آن است که از خوردن گوشت هدهد خودداری نمایند .

۳. نگاه کردن به صورت دیگران هنگام غذا خوردن .
۴. فوت کردن به غذایی که می خورد .
۵. خوردن غذای داغ .
۶. پاره کردن نان با کارد .
۷. گذاشتن نان زیر ظرف غذا .
۸. دور انداختن میوه قبل از آنکه تمام شده باشد .

### **آداب آب نوشیدن**

#### **- مستحبات :**

۱. در روز ، ایستاده آب بخورد .
۲. پیش از آشامیدن آب « بسم الله » گفته شود .
۳. به سه نفس آب بیاشامد .
۴. پس از آشامیدن آب ، حضرت امام حسین ( ع ) و خاندان وی را یاد و دشمنانشان لعن کردند .

#### **- مکروهات :**

۱. زیاد آشامیدن .
۲. آشامیدن آب بعد از غذای چرب .
۳. با دست چپ آب نوشیدن .
۴. در شب ، ایستاده آب نوشیدن .

## درس پنجم

### احکام موسیقی و غنا

سؤالات اساسی درس :

۱. تعریف موسیقی چیست ؟

۲. تعریف غنا چیست ؟

۳. احکام موسیقی و غنا چه می باشد ؟

### تعریف موسیقی و غنا

موسیقی، واژه ای یونانی است که در اصطلاح و فرهنگ لغت معادل مفهوم غنا دانسته شده و در چند معنا به کار می رود :

الف : اصوات و نغمه های موزون و متناسب که از طبیعت برخی اشیاء و یا از حنجره حیوانات شنیده می شود ؛ مانند صدای آهسته برگها و درختان هنگام وزیدن باد و یا آواز خوش برخی پرندگان .

ب: آواز خوش که از حنجره آدمی بیرون آید.

ج : صدایی که از نواختن آلات موسیقی تولید می شود.

ولی این دو واژه در حوزه مفاهیم دینی و اصطلاح فقیهان با یکدیگر تفاوت دارند، « غنا » از دیگاه فقه عبارت است از: آوازی که از حنجره آدمی بیرون آید و در گلو چرخانده ( چهچهه ) و در شنونده حالت سرور و وجد ایجاد کند و مناسب با مجالس لهو و خوش گذرانی باشد. اما « موسیقی » به صوت و آهنگی گفته می شود که از آلات موسیقی پدید آید .

گفتنی است واژه موسیقی در متون دین به چشم نمی خورد ؛ ولی به جای آن واژه های غنا ، لهو ، ملاحی و مصادیق آلات موسیقی مانند دف ، مزمار ( نی و فلوت ) معزف ( تار ) و مانند آن بکار رفته است .

### موسیقی در نگاه قرآن و حدیث

دین اسلام ، مجموعه ای از اعتقادات و دستورالعملهای فردی و اجتماعی اعم از اخلاقی و فقهی است که به عنوان اساسی ترین و مطمئن ترین منبع و در کنار آن ، سنت پیامبر اسلام ( ص ) و معصومین ( ع ) می باشد که مشتمل بر احادیث ، رفتارها و حتی تقریرات آنان است و عقل سلیم بشری نیز از منابع فقه و حقوق اسلامی است . از این رو برای دست یابی به تفسیر و شرح هر موضوعی از نگاه دین ، بایستی در همه آن منابع ، آن را مورد بررسی قرار دارد و تنها اکتفا به قرآن کافی نیست . در قرآن کریم تصریحی نسبت به غنا نشده است ؛ ولی با توجه به احادیثی که در ذیل برخی آیات آمده ، حرمت غنا به خوبی استفاده می شود .

۱ . وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ : «و برخی از مردم سخنان بیهوده را می خردند تا مردم را از روی نادانی ، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزاء گیرند ؛ برای آنان عذابی خوار کننده است.»<sup>۱</sup>

« لهو الحدیث » به هرگونه سخن با آهنگ سرگرم کننده و غفلت زا - که انسان را به بیهودگی یا گمراهی می کشاند - گفته می شود . روایات متعددی آن را به غنا تفسیر کرده و آن را از مصادیق « لهو الحدیث » می شمارد .

---

<sup>۱</sup> . لقمان ، ۶



۲. فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» و از بتهای پلید اجتناب کنید و از سخن باطل بپرهیزید<sup>۱</sup>

«قول الزور» به گفتار باطل و بی واقعیت گفته می شود و در روایات مختلفی، غنا از مصادیق «قول الزور» بر شمرده شده است .

۳. وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» و آنها ( مؤمنان ) که از لغو و بیهودگی روی گردانند<sup>۲</sup>

۴. وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ» و [ مؤمنان ] هر گاه سخن لغو و بیهوده بشنوند از آن روی بر می گردانند<sup>۳</sup>

در تفسیر قمی در ذیل این دو آیه از امام معصوم ( ع ) آمده که مقصود از «اللغو»، غنا است. تردیدی نیست که اگر این احادیث نبود ، حرمت غنا از ظاهر آیات استنباط نمی شد . اهل بیت ( ع ) با عمل و دانش نشأت گرفته از غیب و با توسعه در معنای این واژه ها ، غنا را به طور مستقل از آیات درک و استنباط نمی کند .

---

<sup>۱</sup> حج ، ۳۰

<sup>۲</sup> مومنون ، ۳

<sup>۳</sup> . قصص ، ۵۵

## سؤالات شرعی :

### ۱. منظور از مطرب و لهوری بودن موسیقی چیست ؟

مقصود فقیهان از واژه لهوری ، سازگاری و همنوایی آواز و آهنگ نواخته شده با مجالس فساد و خوش گذرانی است ؛ یعنی ممکن است نغمه ای طرب انگیز نباشد ؛ ولی از نغمه هایی باشد که فقط در جلسات فساد رایج باشد . این آهنگ را لهوری گویند و اگر از هر دو مشخصه ( طرب و لهوری ) برخوردار باشد ، مطرب لهوری گفته می شود .

**تمامی مراجع تقلید :** لهوری بودن را جزء و قید اصلی موسیقی حرام می دانند ؛ ولی در قید طرب انگیزی اختلاف نظر است . عده ای بر این باورند که این مشخصه به هیچ گونه در موسیقی حرام تأثیر ندارد و مقوم ماهیت غنا نیست؛ ولی برخی اظهار می دانند که موسیقی حرام باید از دو مشخصه لهوری و طرب انگیزی برخوردار باشد تا مشمول حرمت قرار گیرد .<sup>۱</sup>

افزون بر آن گاهی در کلام و عبارات برخی از فقیهان واژه مطرب به کار رفته ، ولی مقصودشان لهوری بودن است .<sup>۲</sup>

### ۲. مجالس لهوری و لعب به چه نوع مجالسی گفته می شود ؟

مقصود از مجالس لهوری و لعب ، آن نیست که در آن شراب ، رقص و ... باشد ؛ بلکه منظور مجالس شانی است ؛ یعنی آهنگ موسیقی به گونه ای باشد که اگر

---

<sup>۱</sup> . آیات عظام : سیستانی ، تبریزی ، وحید و مکارم ، قید مطرب را لازم و شرط نمی دانند .

<sup>۲</sup> . امام ، استفتائات ، ج ۲ ، ( مکاسب محرمه ) ، س ۲۷ ؛ تبریزی ، استفتائات ، س ۱۰۴۷ و ۱۰۵۰ و صراط النجاه ، ج ۱ ، س ۱۰۰۱ .

در مجلس عادی و یا بصورت فردی نیز نواخته شود ، متناسب آن مجلس فسق و گناه به کار می‌رود و انسان را به یاد فضای مجالس یاد شده می‌اندازد.<sup>۱</sup>

### ۳. حکم گوش دادن به آهنگ بدون کلام چیست ؟

**آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای، فاضل لنکرانی و نوری همدانی:** گوش دادن به هر آهنگی که مطرب و لهنوی و مناسب مجالس گناه و خوش گذرانی است، جایز نیست.<sup>۲</sup>

**آیات عظام تبریزی، سیستانی، مکارم شیرازی و حید خراسانی:** گوش دادن به هر آهنگ لهنوی که مناسب مجالس گناه و خوش گذرانی است، جایز نیست.<sup>۳</sup>

**آیت الله صافی گلپایگانی :** گوش دادن به هر آهنگی که مطرب و لهنوی و مناسب مجالس گناه و خوش گذرانی است ، جایز نیست و گوش دادن به آهنگی که از نواختن آلات موسیقی تولید می شود ، حرام است .<sup>۴</sup>

**تبصره :** آیت الله بهجت بین نواختن موسیقی و استماع آن تفاوت گذاشته است ؛ نواختن آلات موسیقی – هر چند مشترک باشد – به مطلق حرام است ؛ ولی استماع به آنها تنها اگر به صورت لهنوی باشد ، حرام است .<sup>۵</sup>

---

<sup>۱</sup> . مکارم ، استفتائات ، ج ۲ ، س ۷۰۴ ؛ بهجت ، توضیح المسائل ، متفرقه ، م ۲۰ ؛ خامنه‌ای ، اجوبه استفتائات ، س ۱۱۳۱ ؛ سیستانی ، [sistani.org](http://sistani.org) ، موسیقی ، ش ۱ ؛ تبریزی ، صراط النجاه ، ج ۱ ، س ۱۰۱۲ و ۱۰۱۳ و ج ۲ ، س ۹۱۹ ؛ دفتر : بقیه

<sup>۲</sup> . امام ، استفتائات ، ج ۲ ( مکاسب محرمة ) ، س ۲۷ و ۲۸ ؛ فاضل لنکرانی ، جامع المسائل ، ج ۱ ، س ۹۹۵ و ۹۹۹ ؛ بهجت ، توضیح المسائل ، متفرقه ، م ۲۰ ؛ خامنه‌ای ، اجوبه استفتائات ، س ۱۱۴۰ ؛ نوری همدانی ، توضیح المسائل ، مسائل مستحدثه .

<sup>۳</sup> . تبریزی ، استفتائات ، س ۱۰۴۶ و ۱۰۶۵ ؛ سیستانی ، [sistani.org](http://sistani.org) ، موسیقی ، ش ۵ ؛ مکارم ، استفتائات ، ج ۲ ، س ۷۰۳ و ۷۰۸ ؛ منهاج الصالحین ، ج ۳ ، م ۱۷ .

<sup>۴</sup> . صافی ، جامع الاحکام ، ج ۱ ، س ۱۰۱۸

<sup>۵</sup> . بهجت ، توضیح المسائل ، متفرقه ، م ۲۰

## درس ششم

### ۱. احکام نگاه

### ۲. احکام زن و شوهر

سؤالات اساسی درس :

۱. نگاههای جایز و حرام کدامند ؟

۲. حقوق متقابل همسران چیست ؟

### احکام نگاه

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید : به مومنان بگو : چشم های خود را از نگاه به نامحرم فرو گیرند <sup>۱</sup>.

همچنین در آیه سی و یکم سوره مبارکه نور می فرماید : و به زنان با ایمان بگو : چشم های خود را از نگاه هوس آلود فروگیرند .

نگاه حرام در شرع عبارت است از : نگاه مرد به بدن زن نامحرم ( به جز صورت و دست ها تا مچ ) ؛ خواه با قصد باشد یا بدون آن . و نیز نگاه به صورت و دستها اگر با قصد شهوت یا ترس افتادن به حرام باشد . همچنین نگاه زن به مرد نامحرم ( به جز صورت ، گردن و دست ها و مقداری از پا ) ؛ خواه با قصد باشد یا بدون آن و نیز به مواضع یاد شده ، اگر با قصد شهوت یا ترس افتادن به حرام باشد .

حضرت امام جعفر صادق ( ع ) می فرماید :

---

۱. نور ، ۳۰

نگاه به نامحرم ، تیری از تیرهای مسموم شیطان است و چه بسا که نگاهی که حسرتی طولانی بر جای بگذارد.<sup>۱</sup>

### نگاههای حلال

نگاههای جایز عبارتند از :

۱. نگاه به عکس زن بی حجاب ناشناس .
  ۲. نگاه هم جنس به هم جنس ( به جز عورت )
  ۳. نگاه به زن به منظور ازدواج ( با شرایط خاص )
  ۴. نگاه به زن کهنسال ( جاهائیکه ه طور معمول نمی پوشانند: مثل موها، گردن و دستها ) که هیچ گونه رغبتی به ازدواج با او نیست .
  ۵. نگاه به زن غیر مسلمان ؛ خواه از اهل کتاب باشد یا نه. ( به جز جاهائیکه به طور معمول می پوشانند )
- نکته : نگاههای یاد شده در صورتی است که با قصد لذت و یا ترس افتادن به گناه همراه نباشد .

### نگاههای حرام

نگاههای حرام عبارتند از :

۱. نگاه به چهره آرایش کرده زن .
۲. نگاه به زیور آلات زن .
۳. نگاه به عکس بی حجاب زن آشنا .
۴. نگاه با ترس افتادن به حرام .
۵. نگاه به بدن مرد نامحرم ( به جز صورت و دستها )
۶. نگاه به تمام بدن زن نامحرم ( به جز صورت و دستها تا میچ ) .
۷. نگاه هوس آلود ( هر چند به صورت و دستها و یا به بدن هم جنس ) .

---

<sup>۱</sup> . بحار الانوار ، جلد ۱۰۱ ، حدیث ۴۰

## سؤالات شرعی :

۱. شخصی قصد ازدواج دارد ، آیا می تواند بدون قصد لذت به چهره و موی خانم ها ( مثلا در خیابان ) نگاه کند ، تا یکی را بیسندد و بعد از او خواستگاری کند ؟

همه مراجع : این نوع نگاهها جایز نیست .

نکته : نگاه به بدن زن ، بمنظور ازدواج با او شرایطی دارد و سؤال یاد شده ، خارج از این موارد است .

۲. آیا نگاه مرد به بدن نامزد خود - که هنوز نامحرم است ؛ ولی ازدواج با او قطعی است - جایز است ؟

همه مراجع : خیر ، نامزد نامحرم ، با سایر زنان تفاوتی ندارد .

۳. ظهور فیلمهای عکاسی و میکس بوسیله مرد ، چه حکمی دارد ؟

همه مراجع : اگر زن را نشناسد و باعث مفسده نشود ، اشکال ندارد .

۴. آیا نگاه به موهای زن نامحرم ، از داخل آینه جایز است ؟

همه مراجع : خیر ، جایز نیست .

## احکام زن و شوهر

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید :

و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان ، برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید.<sup>۱</sup>

در زندگی زناشویی چندین حقوق متقابل مطرح است . هر جا وظیفه هست در برابرش حق قرار دارد ؛ چنان که هر جا برای کسی حقی قرار داده شده ، در مقابل وظیفه ای نیز بر عهده او گذاشته شده است .

---

۱. روم ، آیه ۲۱

زن و شوهر نسبت به همدیگر ، وظایفی دارند و بر همین اساس حقوق متقابلی متوجه آنان است که اگر هر دو به وظایف خود عمل کنند و به حقوق خود برسند ، زندگی آنها درست و بر اساس عدالت استوار است و در نتیجه زندگی در سایه آن شیرین می گردد .

پایه و اساس خانواده ، احترام و محبت و رعایت حقوق یکدیگر است . امام باقر ( ع ) می فرماید :

هر کس زن گرفت ، باید او را گرامی بدارد و به او احترام کند .<sup>۱</sup>

همچنین امام کاظم ( ع ) می فرماید :

جهاد زن ، شوهرداری نیکو است .<sup>۲</sup>

### حقوق زناشویی بر دو نوع است:

۱ . حقوق واجب و قانونی؛

۲ . حقوق مستحب و اخلاقی .

حقوق قانونی، رعایت حداقل ها است که قانون و دادگاه از آن دفاع می کند.

حقوق اخلاقی ، رعایت حسن هم زیستی است که خوشی و شیرینی زندگی را بیش از پیش فراهم می سازد .

الف : حقوق زن نسبت به مرد :

۱ . تهیه غذا .

۲ . تهیه پوشاک .

۳ . تهیه وسایل مورد نیاز خانه .

۴ . تهیه مسکن .

۵ . حق آمیزش .

---

<sup>۱</sup> . وسائل الشیعه ، جلد ۵ ، صفحه ۹

<sup>۲</sup> . فروع کافی ، جلد ۵ ، صفحه ۹

## **ب : حقوق مرد نسبت به زن :**

۱. خروج از منزل با اجازه شوهر .
۲. حق تمکین .
۳. رفع امور نفرت آور .
۴. آرایش و نظافت .
۵. نذر و قسم خوردن با اجازه شوهر .

## **سؤالات شرعی :**

۱. آیا بدهی های شرعی زن - از قبیل كفاره ، خمس ، رد مظالم و ... - بر عهده شوهر است ؟  
همه مراجع : خیر ، پرداخت این نوع بدهی ها بر شوهر واجب نیست و اگر زن مال دارد ، باید خودش بدهد ، در غیر اینصورت ، تکلیفی ندارد .
۲. اگر زن درآمد کافی داشته باشد ، آیا شوهر می تواند از پرداخت تفقه به همسر خود امتناع ورزد؟  
همه مراجع : خیر ؛ هرچند زن درآمد کافی نیز داشته باشد ، باز نفقه او بر شوهر واجب است .
۳. آیا همین اندازه که زن بداند شوهرش برای بیرون رفتن از منزل راضی است ، کفایت می کند یا اینکه باید از او اجازه بگیرد ؟  
همه مراجع : اگر می داند که شوهرش راضی است ، کفایت می کند و اجازه گرفتن لازم نیست .
۴. آیا زن می تواند در اموال شوهر ، بدون اجازه او تصرف کند ؟  
همه مراجع : خیر ، باید اجازه بگیرد .



## درس دهم

### زکات

سؤالات اساسی درس :

۱. معنای زکات چیست ؟

۲. موارد وجوب زکات چه می باشد ؟

#### واژه شناسی

زکات در لغت و قرآن به معنای طهارت و پاکیزگی و رشد و نمو، و احتمالاً به معنای «عمل صالح» آمده است. برخی از لغت‌شناسان، پاکیزگی را معنای اصلی ماده زکات می‌دانند.<sup>۱</sup> راغب نیز می‌گوید: «اصل الزکاه النمو الحاصل عن برکه الله تعالى»؛<sup>۲</sup> اصل زکات، نمو و رشدی است که از برکت خداوند متعال حاصل شود. در اصطلاح فقها، «زکات» حقی است واجب، در مالی که به حد نصاب رسیده باشد و بنا به تعریف صاحب جواهر<sup>۳</sup>: «زکات عبارت است از خارج کردن بخشی از دارایی تا بقیه آن با برکات الهی رشد و نمو کند و درجات صاحبش را زیاد نماید و مال را از حرام و صاحبش را از صفات ناپسندیده پاک گرداند.»<sup>۴</sup> بمعنای جامع‌تر، زکات دارای حق واجبی است که از قسمتی از اموال کسانی که بیش از اندازه احتیاج دارند، به نفع فقرا و صرف در مصالح عمومی و بمنظور

۱. نهایه ابن انیر، ج ۲، ص ۳۰۶.

۲. مفردات راغب، ص ۲۱۳.

۳. الزکاه اخراج بعض المال لینمو الباقی بالبرکات و تزید لصاحبه الدرجات و یطهر المال من الحرام و صاحبه من المذام.

۴. جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۳.

بر طرف کردن ریشه‌های فقر و بینوایی مالی و اخلاقی گرفته شده، به مصارف اجتماعی عام‌المنفعه می‌رسد و به وسیله پرداخت آن و مصرف شدنش در محل صحیح، برای همه طبقات، زندگی انسانی و فعال و آمیخته با محبت و امید فراهم می‌آید.

زکات در حقیقت یک نوع مالیات بر در آمد و تولید و مالیات بر ثروت راكد محسوب می‌شود که حاکم اسلامی باید از مردم وصول نماید و آن را در مصارف مشخص شده از ناحیه پروردگار بکار بندد، تا حکومت اسلامی با پشتوانه مالی منظم و مطمئن سامان پذیرد و به اهداف خود دسترسی پیدا کند.

بنابراین، دادن زکات برای وحدت جامعه و روابط حسنه میان مستمندان و ثروتمندان بسیار مؤثر بوده و در پاکی ثروتمندان از بخل، حرص، دنیاپرستی و غرور، نقش قابل توجهی داشته و در پدید آوردن روحیه بخشنده‌گی، تعاون، نوع دوستی و احساس مسئولیت همگان و در نتیجه، تکامل فکری، عملی و اخلاقی ثروتمندان، آثار ارزشمندی دارد. از این‌رو در قرآن مجید که هم نذیر و هشداردهنده است و هم بشیر و مژده‌دهنده، ۳۲ بار سخن از «زکات» به میان آمده و با تعبیرات گوناگون به انجام آن فرمان داده شده و درباره منافع دنیوی و اخروی زکات و حرمت منع آن، مطالبی بیان گردیده است. به عنوان مثال در سوره‌های مکی مثل اعراف، آیه ۱۵۶ - نمل، آیه ۳ - لقمان، آیه ۴ - فصلت، آیه ۷، حکم زکات آمده است که مسلمانان باید بدهند، اما در مدینه قانون آمد که باید زکات را از مردم بگیرد: *خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً* (توبه . ۱۰۳) امام صادق (ع) فرمودند: «هیچ چیز بعد از شناخت خدا و بعد از نماز، برابر ارزش زکات نیست.»<sup>۲</sup>

---

۱. ما من شیء بعد المرفه و الصلاه يعدل الزکاه.

۲. بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۵.

## موارد وجوب زکات :

### - غلات :

- گندم

- جو

- خرما

- کشمش

### ۲- دام ها:

- شتر

- گاو

- گوسفند

### ۳- سگه ها :

- طلا

- نقره

## نصاب غلات :

زکات این اشیاء در صورتی واجب می شود که به مقدار مشخصی برسد، که به آن مقدار « حدّ نصاب » می گویند؛ یعنی اگر محصول به دست آمده و یا تعداد دام یا طلا و نقرهء موجود، از حدّ نصاب کمتر باشد، زکات ندارد.

تمام غلات چهارگانه ، یک نصاب دارد که حدود ۸۵ کیلوگرم است ، بنابر این اگر محصول به دست آمده از این مقدار، کمتر باشد، زکات ندارد.(۲)

## مقدار زکات غلات

چنانچه یکی از این محصول ها به حدّ نصاب برسد، باید مقداری از آن به عنوان زکات پرداخت شود ولی مقدار زکات غلات بستگی به چگونگی آبیاری آنها دارد، و از این نظر می توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد:

مقدار زکات محصولی که با آب باران و رودخانه آبیاری می شود، یا دیمی باشد ۱۱ است .

مقدار زکات محصولی که با دلو و یا موتور پمپ آبیاری می شود ۱۲ است .  
محصولی که به هر دو طریق - هم از آب باران یا رودخانه و هم آب دستی آبیاری شده زکاتِ نصف آن ۱/۱۰ و نصف دیگر ۱/۲۰ می باشد.

## نصاب دامها و مقدار زکات آن :

### گوسفند

اولین نصاب گوسفند، چهل عدد است و زکات آن یک گوسفند می باشد و تعداد گوسفندان ، تا به چهل نرسد، زکات ندارد و نصابهای بعدی آن بدین شرح است :

شماره	نصاب	مقدار زکات
۱	۱۲۱ گوسفند	۲ گوسفند
۲	۲۰۱ گوسفند	۳ گوسفند
۳	۳۰۱ گوسفند	بنابر احتیاط واجب ، ۴ گوسفند
۴	۴۰۰ گوسفند و بیشتر از آن	هر صد تایی آن یک گوسفند

اگر تعداد گوسفندان از یک نصاب بگذرت ولی به نصاب بعدی نرسد، زکات نصاب پایین را باید بپردازد؛ مثلاً کسی که ۱۱۵ گوسفند داشته باشد، زکات آن یک گوسفند است .

### گاو

اولین نصاب گاو سی رأس است و زکات آن یک گوساله است که یک سال آن تمام شده و وارد سال دوم شده باشد. و نصاب بعدی آن چهل عدد است و زکات آن یک گوساله ماده ای است که وارد سال سوم شده باشد و در بیشتر از چهل ، تا به شصت نرسیده فقط باید زکات چهل تایی آن را بدهد و بعد از آنکه

به شصت رسید، باید دو گوساله بدهد و بیشتر از شصت ، باید با دد سی یا چهل یا هر دو حساب کرد ولی باید طوری حساب شود که چیزی باقی نماند یا اگر چیزی باقی می ماند از نه تا بیشتر نباشد.

### شتر

شتر دوازده نصاب دارد بدین شرح :

شماره	نصاب	مقدار زکات
۱	۵ شتر	۱ گوسفند
۲	۱۰ شتر	۲ گوسفند
۳	۱۵ شتر	۳ گوسفند
۴	۲۰ شتر	۴ گوسفند
۵	۲۵ شتر	۵ گوسفند
۶	۲۶ شتر	یک شتری که وارد سال دوم شده باشد
۷	۳۶ شتر	یک شتری که وارد سال سوم شده باشد
۸	۴۶ شتر	یک شتری که وارد سال چهارم شده باشد
۹	۶۱ شتر	یک شتری که وارد سال پنجم شده باشد
۱۰	۷۶ شتر	دو شتری که وارد سال سوم شده باشد
۱۱	۹۱ شتر	دو شتری که وارد سال چهارم شده باشد
۱۲	۱۲۱ شتر و بیشتر از آن	برای هر چهل شتری که وارد سال چهارم شده باشد

نصاب طلا و نقره نصاب طلا ۱۵ مثقال و نصاب نقره ۱۵ مثقال است ، و زکات هر دو ۴۰/۱ می باشد .

## احکام زکات :

- آنچه برای گندم ، خرما و انگور خرج کرده است ؛ مانند قیمت بذر، مزد کارگر، و مزد تراکتور و... می تواند از حاصل کسر کند، ولی مقدار نصاب ، قبل از کم کردن این مخارج محاسبه می شود و اگر قبل از کسر مخارج به حد نصاب برسد، پرداخت زکات واجب شده است ولی زکات باقیمانده را می پردازد .

### - زکات دام ها در صورتی واجب می شود که :

یک سال مالک آنها باشد؛ بنابر این اگر مثلاً ۱ عدد گاو را خریداری کند و پس از ۹ ماه بفروشد؛ زکات واجب نیست

حیوان در تمام سال بیکار باشد، بنابر این گاو یا شتری که در کار مزرعه یا حمل بار از آن استفاده می شود زکات ندارد

حیوان در تمام سال از علف بیابان بچرد، پس اگر در تمام سال یا مقداری از آن ، از علف چیده شده یا کاشته شده بخورد، زکات ندارد.

- زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سکه ای باشد که معامله با آن رواج دارد، بنابر این آنچه امروز بانوان به عنوان زیور استفاده می کنند، زکات ندارد اگر چه رواج باشد .

### مصرف زکات :

مصرف زکات در هشت جا است که می توان آن را در تمام یا برخی از این موارد مصرف کرد:

- فقیران .

- مسکینان ، آنان که به کلی درمانده و بیناویند.

- کسی که از طرف امام (ع) یا نایب او مأمور جمع آوری و نگهداری و توزیع زکات است (عاملین).

- برای الفت دادن دلها به اسلام و مسلمانان ؛ مانند غیر مسلمانان که اگر به آنها کمکی بشود، به دین اسلام می گروند یا در جنگ به مسلمانان کمک می کنند (مؤلفه قلوبهم).

- خریداری بنده ها و آزاد کردن آنان (فی الرقاب).

- بدهکارانی که نمی توانند قرض خود را بدهند (غارمین).

- در راه خدا؛ یعنی در کارهایی که نفع آن به عموم می رسد و مورد رضایت خداست ؛ مانند ساختن جاده ، پل ، مسجد (فی سبیل الله).

- مسافری که در سفر درمانده است و خرج برگشت به وطن را ندارد، هر چند در وطن خود فقیر نباشد (ابن السبیل).

### **احکام مصرف زکات**

- **فقیری که زکات دریافت می کند باید دارای این شرایط باشد:**

- شیعه دوازده امامی باشد

- واجب النفقهء زکات دهنده نباشد؛ مانند همسر و فرزند.

- اگر زکات دهنده سید نیست ، زکات گیرنده نیز سید نباشد.

- زکات را در معصیت مصرف نکند.

و بنابر احتیاط واجب ، آشکارا معصیت کبیر نکند.

- به کسی که بدهکار است و نمی تواند بدهی خود را بدهد، اگر چه مخارج او

بر انسان واجب باشد، می تواند زکات داد.

- اگر پسر به کتابهای علمی دینی احتیاج داشته باشد، پدر می تواند برای

خریدن آن کتابها به او زکات بدهد .

- کسی که مشغول تحصیل علم است و اگر تحصیل نکند می تواند برای

معاش خود کسب کند، چنانچه تحصیل آن علم ، واجب یا مستحب باشد، می

توان به او زکات داد و اگر تحصیل آن علم ، واجب یا مستحب نباشد، زکات دادن

به او اشکال دارد .

- پدر می تواند به پسرش زکات بدهد که برای خود زن بگیرد .
- به کسی که معلوم نیست سید است یا نه ، می توان زکات داد .
- پرداخت زکات از عبادات است و باید به قصد قربت ؛ یعنی برای اطاعت دستور خداوند پردازد و در نیت معین کند که زکات مال است یا زکات فطره

### **- وقت پرداخت زکات :**

- زکات طلا و نقره و دامها را پس از تمام شدن یک سال
- زکات گندم و جو را موقعی که از کاه جدا می کنند باید به فقیر بدهد یا از مال خود جدا کند
- زکات خرما و انگور را باید موقع خشک شدن از آن جدا نمایند و لازم نیست فوراً آن را به مستحق بدهد، ولی اگر به کسی که می شود زکات داد دسترسی دارد، احتیاط مستحب آن است که دادن زکات را تأخیر نیندازد.
- اگر زکات قبل از پرداخت تلف شود:

الف : پرداخت آن ممکن نبوده = ضامن نیست و پرداختن عوض آن واجب نمی باشد.

ب : پرداخت آن ممکن بوده

- در پرداخت یا حفظ آن کوتاهی نکرده است = ضامن نیست .
- در پرداخت یا حفظ آن کوتاهی کرده است = ضامن است
- اگر زکات را از مال خود کنار بگذارد، می تواند در بقیه ی آن تصرف کند و اگر قیمت آن را کنار بگذارد (نه از خود آن )، می تواند در تمام آن مال تصرف کند

- انسان نمی تواند زکاتی را که کنار گذاشته ، برای خود بردارد و چیز دیگری را بجای آن بگذارد

### **مستحبات پرداخت زکات :**

- خویشان خود را بر دیگران
- و اهل علم و کمال را بر غیر آنان
- و کسانی را که گدایی نمی کنند بر گدایان مقدم دارد.
- زکات دامها را به فقیرهایی آبرومند بدهد.
- زکات را آشکارا و صدقهء مستحبی را پنهانی پردازد.



## درس یازدهم

### خمس

سؤالات اساسی درس :

۱. فلسفه وجوب خمس چیست ؟

۲. فرق خمس با زکات چیست ؟

### اهمیت خمس

وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ<sup>۱</sup> » و بدانید که هر چه غنیمت گرفتید ، یک پنجم آن برای خدا و رسول و از آن خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است .»

خمس و جهاد دو اصل از ریشه ایمان است و صداقت آن بوسیله مبارزه با مال اندوزی و تطهیر نفس خود ، از مظاهر فریبده دنیا و تزکیه آن از آزمندی و حرص تجلی می یابد .

خداوند متعال ، خمس را به پیامبر گرامی اسلام ( ص ) و ذریه گرامی او ( ع ) جهت اکرام و احترام آنان اختصاص داده است .

امام باقر ( ع ) فرمود : برای هیچ کس جایز نیست از مالی که خمس به آن تعلق گرفته چیزی بخرد مگر اینکه حق ما را به ما برساند .<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> . انفال ( ۸ ) ، آیه ۴۱ .

<sup>۲</sup> . وسائل الشیعه ، جلد ۶ ، باب ۱ ، حدیث ۴

عمران بن موسی می‌گوید: آیه خمس را بر حضرت خواندم، پس فرمود: هر آنچه از آن خداست، به پیامبر می‌رسد و هرآنچه از آن پیامبر گردد به ما (اهل بیت) خواهد رسید. سپس فرمود: خداوند ارزاق مومنان را به پنج قسمت به آنان ارزانی داشته است تا یکی را در راه خدا انفاق کنند و چهار قسمت را به حلال بخورند... این دستورها سخت و دشوار است و کسانی به آن عمل می‌کنند و سختی‌ها را تحمل دارند که خداوند آنان را در راه ایمان امتحان کرده است.<sup>۱</sup>

### فلسفه پرداخت خمس :

۱. تردیدی نیست که اسلام به صورت یکی مکتب اخلاقی، فلسفی و یا اعتقادی محض ظهور نکرد؛ بلکه به عنوان یک آیین جامع، پا به عرصه ظهور گذاشت. از سوی دیگر، این مکتب از همان عصر پیامبر (ص) با تاسیس حکومت همراه بود؛ در نتیجه برای اداره آن نیاز به یک پشتوانه مالی غنی و منظم داشت که بتواند در سایه تشکیل حکومت اسلامی از بینوایان و یتیمان و نیازمندان جامعه دستگیری نماید و این خلا اقتصادی را پر کند. خداوند متعال، با نزول آیات زکات، دست یاری و رحمت بی‌پایانش را به کمک نبی اکرم (ص) فرستاد و با واجب ساختن زکات، این مساله را حل نمود. این فریضه الهی از مالیتهایی است که در حقیقت جزو اموال عمومی جامعه اسلامی محسوب می‌شود و نیز به غیر بنی هاشم (سادات) اختصاص دارد و لذا مصرف آن عموماً یاد شده است. ولی امام (ع) نیز به عنوان رئیس حکومت نیز هزینه‌هایی دارد که باید تامین گردد. او برای پیشبرد نظام اسلامی و اداره جامعه، به بودجه فراوانی نیاز دارد. فریضه خمس برای تامین این منظور، بر متکلمان جامعه واجب شده است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> همان

<sup>۲</sup> مکارم شیرازی، ناصر، یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، صفحات ۴۲۳ - ۴۲۵

۲. خداوند متعال برای حفظ کرامت و عزت پیامبر اسلام ( ص ) محل تامین بودجه فقرا از بنی هاشم و منسوبان به آن حضرت را از خمس قرار داد و سهم آنان را قرین سهم خود و رسول فرمود تا زمینه تحقیر نسبت به آنان را از بین ببرد ؛ چون ممکن است برخی از مردم در پرداخت زکات به فقیران ، یک نوع برتری برای خود و حقارتی نسبت به گیرنده احساس کنند . در حالی که در پرداخت خمس و آنچه به عنوان « وجه الاماره » تلقی می شود ، قضیه عکس آن است و برتری برای گیرنده می باشد .<sup>۱</sup>

۳. خمس برای تامین بودجه هر کار خیری است که امام بخواهد انجام دهد و برای هر موردی که صلاح بداند مصرف کند .<sup>۲</sup>

۴. خمس وسیله ای برای رشد و کمال انسان محسوب می شود . همچنان که هر فرد با انجام دادن هر وظیفه ای ، مرحله ای از کمال را می پیماید با ادای خمس به قصد قربت و بریدن از دنیا نیز وظیفه اش را انجام داده و خود را از گناهان پاک نموده و به سوی کمال ترقی می کند .<sup>۳</sup>

۵. تحقق احیای دین خدا و پیاده کردن حکومت اسلام می - که هدف اصلی این مکتب است<sup>۴</sup> - نیاز به بودجه مستقل و جدای از بودجه زکات دارد . خمس ثروت بسیار عظیمی برای تامین هزینه های یک انقلاب برای رسیدن به حکومت عدل الهی است .

چرا در اسلام ، باید خمس را به سادات داد ؟  
به نظر عده ای از مفسران حکم وجوب زکات در مکه نازل گردید و مسلمانان به پرداخت این فریضه الهی موظف شدند ؛ ولی هنگامی که پیامبر اسلام ( ص )

---

۱. وسائل الشیعه ، جلد ۶ ، باب ۱ ، حدیث ۴ و ۸

۲. همان ، باب ۱ ، حدیث ۱۲

۳. همان ، باب ۳ ، حدیث ۲

۴. همان

وارد مدینه شد و حکومت اسلامی را پایه گذاری کرد ، از طرف خدا مامور دریافت زکات از مردم شد تا با آن ، دست مستمندان را بگیرد ؛ ولی بنی هاشم (سادات) حق نداشتند چیزی از این بودجه دریافت کنند<sup>۱</sup> و این امر شاید به دو جهت بود :

۱ . بهانه ای به دست مخالفان نیفتد که پیامبر ( ص ) خویشان خود را بر اموال عمومی ( زکات ) مسلط ساخته است . این امر باعث گردید که بنی هاشم از دستیابی به زکات دور نگه داشته شوند .

۲ . استفاده بنی هاشم از زکات یک نوع تفوق و برتری جویی برای غیر بنی هاشم محسوب شده و ذلت را برای سادات به همراه داشت . خداوند متعال جهت حفظ کرامت و مقامشان زکات را بر آنان حرام ساخت . البته سادات به خودشان می توانند زکات بدهند ؛ چرا که حس برتری جویی در این داد و ستد به چشم نمی خورد .<sup>۲</sup>

این دو امر سبب شد این قشر از زکات محروم بمانند و از سوی دیگر می دانیم که در میان سادات افراد از کار افتاده وجود دارند که باید به طریقی تامین شوند . خداوند متعال جهت پر کردن این خلأ و اکرام و احترام آنان ، آیه خمس را پس از جنگ بدر نازل فرمود و محل ارتزاق مستمندان از این خاندان را ، خمس قرار داد . در حقیقت در اسلام دو صندوق وجود دارد : صندوق خمس و صندوق زکات و این جدا سازی نه برای این است که سادات سهم بیشتری پیدا کنند ؛ بلکه تنها به جهت احترام و اکرام این خاندان در جامعه می باشد .

افزون برآنکه بنای اسلام بر آن است که سلسله نسب سادات به طور مشخص باقی بماند و به شکلی گم نشود و یاد پیامبر ( ص ) و امامان ( ع ) در خاطره ها

---

<sup>۱</sup> . تفسیر نمونه ، جلد ۸ ، ذیل آیه ۶۰ سوره توبه ؛ جلد ۱۴ ، فضیلت سوره مومنون

<sup>۲</sup> . وسائل الشیعه ، جلد ۶ ، ابواب قسمه الخمس ، باب ۱ ، حدیث ۸

زنده بماند و احترام سادات را به عنوان تکریم جدشان پیامبر اسلام ( ص ) بدانند.<sup>۱</sup>

### تعریف مؤونه :

به مخارجی گفته می شود که در زندگی ، هزینه می گردد و شامل موارد ذیل است:

- ۱ . هزینه های زندگی شخصی ؛ مانند : خوراک و پوشاک ، خانه مسکونی ، وسایل زندگی ، وسایل نقلیه ، وسایل تحصیلی ، رایانه ، هزینه ازدواج و ... ؛
- ۲ . هدایا و بخشش ها ؛ مانند : خیرات ، صدقات ، جوایز و ... ؛
- ۳ . مخارج سفر حج ( واجب و مستحب ) ، سفر زیارت ، گردش و تفریح ؛
- ۴ . حقوقی که بر عهده شخص است ؛ مانند دیه ، غرامت و کفاره<sup>۲</sup>.

### مصارف خمس

خمس به شش قسمت تقسیم می شود:

- ۱ . سهمی برای خداوند متعال است.
- ۲ . سهمی دیگر از آن رسول خدا (ص) است.
- ۳ . سهمی از آن برای امام ( ع ) است که این سه سهم دراین زمان متعلق به امام مهدی (عج) می باشد.
- ۴ . سهمی برای ایتمام می باشد.
- ۵ . سهمی برای در راه ماندگان است.
- ۶ . سهمی برای مساکین از سادات است.

### مصرف خمس و شرایط سیدی که میتوان به او خمس داد

---

<sup>۱</sup> . مطهری ، مرتضی ، آشنایی با قرآن ، جلد ۳ ، صفحه ۸۳

<sup>۲</sup> . العروه الوثقی ، ج ۲ ، کتاب الخمس ، م ۶۱

۱. خمس مال را باید دو قسمت کرد، نصف آن را که سهم امام زمان (ع) است به مجتهد جامع الشرایطی که از او تقلید می کند، یا نماینده او و نصف دیگر را باید یا به مجتهد جامع الشرایط بدهد و یا اجازه او به سادات دارای شرایط بپردازد.

### **شرایط سیدی که می توان به او خمس داد:**

۱. فقیر باشد، یا در سفر مانده باشد، هر چند در شهر خود فقیر نباشد. شیعه ی دوازده امامی باشد.
۲. آشکارا معصیت نکند (بنابر احتیاط واجب) و دادن خمس، کمک بر گناه او نباشد.
۳. از افرادی که مخارج آنان بر عهده ی اوست؛ مانند همسر و فرزند نباشد (بنابر احتیاط واجب).

### **اموالی که خمس ندارند :**

- مالی که از میت به انسان ارث برسد.
- چیزی که به انسان بخشیده اند.
- جایزه هایی که دریافت کرده است .
- آنچه به عنوان عیدی به انسان داده اند.
- مالی که به عنوان خمس یا زکات یا صدقه دریافت کرده است .
- مهریه ای که زن می گیرد.

### **محاسبه خمس :**

کشاورزان ، کارمندان ، کارگران ، کاسبها و کسانی که درآمد کسب دارند ، باید برای خود حساب سال خمسی داشته باشند و جهت محاسبه خمس ، به صورت زیر عمل کنند :

هنگامی که از دریافت اولین درآمد ، یک سال گذشت ، آن روز ، وقت حساب سال است . هرچه از مؤونه که مورد استفاده قرار می گیرد و عین آن از بین می رود ( مانند خوراکی ها ، موادهای شوینده ، وسایل تحصیلی دفتر ، خودکار و غیر آنها ) چنانچه تا آخر سال خمسی زیاد بیاید و در بازار ارزشی داشته باشد، باید خمس ( یک پنجم ) آن را با قیمت روز بپردازند . چیزهایی که از مؤونه که مورد نیاز انسان است و با استفاده عین آن، از بین نمی رود ( مانند وسایل زندگی مثل فرش ، یخچال، وسیله نقلیه و . . . ) هر چند سال هم بر آنها بگذرد ، خمس به آنها تعلق نمی گیرد .

مثال : کارمندی در پایان خرداد سال ۸۰ ، اولین حقوق خود را دریافت می کند ؛ حساب سال اول پایان خرداد سال ۸۱ است . در این تاریخ ده کیلو برنج ، پنج کیلو لپه ، پنج عدد تایید و مبلغ پنجاه هزار تومان زیاد آمده است . او باید یک پنجم هر یک از اجناس بالا را جدا کرده و بابت خمس بپردازد و جایز است قیمت آن را به روز حساب کرده و یک پنجم آن را به صورت پول نقد بدهد .<sup>۱</sup>

### سؤالات شرعی :

۱ . آیا شخص می تواند خودش خمس اموال را محاسبه کند و سپس آنچه را بر او واجب است به مرجع تقلید یا نمایندگان او بدهد ؟

همه مراجع : آری ، اشکال ندارد ؛ ولی تا پیش از ادای خمس نمی تواند در اموال تصرف کند .<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> . مجتبی حسینی ، رساله دانشجویی ، صفحه ۱۹۰

<sup>۲</sup> . العروه الوثقی ، ج ۲ ( کتاب الخمس ) ، م ۷۵

## درس دوازدهم

### امر به معروف و نهی از منکر

سؤالات اساسی درس :

۱. معنای امر به معروف و نهی از منکر چیست ؟
۲. جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام چیست ؟
۳. شرایط امر به معروف و نهی از منکر چیست ؟

دعوت به نیکی و بازداشتن از بدی ، از آموزه های مهم دین اسلام است. خداوند متعال در قرآن کریم، مسلمانان را بخاطر انجام این دو مهم ، بهترین امت می خواند :

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید ؛ به کار نیک فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید .<sup>۱</sup>

همچنین خداوند متعال ، امر به معروف و نهی از منکر را یکی از ویژگیهای زنان و مردان مؤمن شمرده و می فرماید :

مردان و زنان با ایمان ، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده وا می دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند .<sup>۲</sup>

اهمیت این مسأله آنقدر زیاد است که قرآن به مسلمانان دستور می دهد همواره گروهی از آنان عهده دار این وظیفه باشند :

و باید از میان شما گروهی به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی باز دارند و آنان همان رستگارانند .<sup>۱</sup>

---

۱. آل عمران : ۱۱۰

۲. توبه : ۷۱



در روایات اهل بیت ( ع ) نیز بر این دو فریضه مهم بسیار تأکید شده است . نبی مکرم اسلام ، حضرت محمد مصطفی ( ص ) می فرماید :  
هر کسی مردم را به کارهای نیک فراخواند و از کارهای زشت باز دارد ،  
جانشین خدا و فرستاده او در زمین است .<sup>۲</sup>

حضرت امام علی ( ع ) می فرماید :

امربه معروف و نهی از منکر ، برترین اعمال مردم است .<sup>۳</sup>

همچنین آن حضرت در حدیث دیگری می فرماید :

هدف و غایت دین ، امر به معروف و نهی از منکر و برپاداشتن حدود  
الهی است .<sup>۴</sup>

امام محمد باقر ( ع ) می فرماید :

امر به معروف ونهی از منکر ، واجبی بزرگ است که دیگر واجبات الهی  
با آن برپا می شود . امر به معروف و نهی از منکر ، راه پیامبران و روش  
صالحان است ؛ واجب بزرگی است که بوسیله آن دیگر فریضه ها اقامه ،  
راهها امن ، درآمدها حلال ، مظالم بازگردانده ، زمین آباد و حق از دشمنان  
گرفته و کارها درست می شود .<sup>۵</sup>

### **مفهوم امر به معروف و نهی از منکر**

امر در لغت یعنی فرمان دادن ( درخواستی که شخص مافوق از مادون  
خود برای انجام کار می کند ) ولی در اینجا به معنی هر نوع درخواست برای

---

۱ . آل عمران ، ۱۰۴

۲ . محمد محمدی ری شهری ، میزان الحکمه ، جلد ۳ ، صفحه ۱۹۴۰

۳ . همان ، صفحه ۱۹۴۱

۴ . همان

۵ . محمد بن یعقوب کلینی ، الکافی ، جلد ۵ ، صفحه ۵۶

انجام کار است هر چند توسط شخص مادون باشد و از آنجا که این درخواست، در موارد بسیاری همراه با فرمان است به آن امر گفته می‌شود .  
نهی در لغت یعنی منع و بازداشتن( درخواستی که شخص مافوق از مادون خود برای ترک کار می‌کند) ولی در اینجا به معنی هر نوع درخواست برای ترک کار است هر چند توسط شخص مادون باشد و از آنجا که این درخواست در موارد بسیاری از طرف فرد مافوق انجام می‌گیرد به آن نهی گفتند .

معروف در لغت یعنی شناخته شده و در اینجا به معنی کاری است که آئین مقدس اسلام و عقل و فطرت آدمی به عنوان کار نیک می‌شناسد و روی همین جهت معروف گفتند .

منکر در لغت یعنی ناشناخته و در اینجا به معنی کاری است که آیین مقدس اسلام و عقل و فطرت پاک آدمی به عنوان کار نیک نمی‌شناسد بلکه آن را کاری زشت می‌داند و روی همین جهت به آن منکر گفتند .

امر به معروف و نهی از منکر با توجه به موارد فوق الذکر یعنی مردم را به کار نیک واداشتن و از کار زشت بازداشتن .

### **شرایط امر به معروف و نهی از منکر**

آیات و روایاتی که تا کنون آوردیم ، آشکارا وجوب و ضرورت عمل به این وظیفه اخلاقی را بیان می‌کنند . به همین علت ، علمای اسلام ، معتقد به وجوب این عمل هستند . البته باید دانست که وجوب این عمل ، کفایی است ؛ بدین معنا که اگر گروهی یا فردی به این وظیفه عمل نمایند ، لازم نیست دیگران به آن اقدام نمایند . علاوه بر این باید توجه داشت که امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایطی است که بدون آنها کسی نمی‌تواند بدان اقدام کند :

۱. بداند عملی را که شخص دیگر انجام داده حرام ، یا عملی را که ترک کرده ، واجب است .
۲. باید معروف و منکر را بشناسد .
۳. باید احتمال بدهد که امر و نهی او اثر و نتیجه ای دارد و در غیر اینصورت موظف نیست امر به معروف و نهی از منکر کند .
۴. که مفسده‌ای به همراه نداشته باشد . یعنی سبب ضرر جانی و مالی نباشد و باعث رفتن آبرویی نشود .
۵. اصرار بر گناه است . یعنی باید شخص گناهکار بر استمرار و تکرار گناه اصرار داشته باشد .

### مراتب امر به معروف و نهی از منکر

برای امر به معروف و نهی از منکر ، مراتبی است که اگر با عمل به مرتبه پایین‌تر مقصود حاصل شود عمل به مرتبه بعدی جایز نیست و آن مراتب به شرح ذیل است:

#### ۱. انکار قلبی

علمای اسلامی برای امر به معروف و نهی از منکر مراتب و درجات و همچنین اقسامی قائل شده‌اند. در مرحله اول گفته‌اند باید شخص از منکر تنفر و انزجار داشته باشد، و در مرحله بعد گفته‌اند اولین درجه و مرتبه نهی از منکر هجر و اعراض است: یعنی وقتی شما فرد یا افرادی را می‌بینید که مرتکب منکراتی می‌شوند، مرتکب کارهای زشتی می‌شوند، به عنوان مبارزه با او (نه مبارزه با شخص او بلکه مبارزه با کار زشت او) و برای اینکه او را از کار زشتش باز دارید، از او اعراض می‌کنید، وی را مورد هجر قرار می‌دهید، یعنی با او قطع رابطه می‌کنید.

#### ۲. انکار زبانی

درجه دومی که علما و دانشمندان برای نهی از منکر ذکر کرده‌اند مرحله زبان است، مرحله پند و نصیحت و ارشاد است. یعنی بسا هست آن بیماری که دچار منکری هست و عمل زشتی را مرتکب می‌شود، به خاطر جهالت و نادانی اوست، تحت تأثیر یک سلسله تبلیغات قرار گرفته است، احتیاج به مربی دارد، احتیاج به فردی دارد که با کمال مهربانی با او صحبت کند معایب و مفاسد را برای او تشریح کند تا آگاه شود و بازگردد.

### ۳. مرحله عمل

مرحله سوم مرحله عمل است. البته در اینجا لازم به ذکر است در امر به معروف و نهی از منکر، زخمی کردن و کشتن معصیت کار، بدون اجازه حاکم شرع جایز نیست. مگر منکر از اموری باشد که در اسلام اهمیت فراوان دارد. مثل آنکه شخصی بخواهد انسان بی گناهی بکشد و جلوگیری از آن بدون مجروح کردن وی ممکن نباشد.

### سئوالات شرعی :

۱. آیا بر کسی که از احکام شرعی و راه و روش امر به معروف آگاهی ندارد، امر به معروف واجب است؟

همه مراجع : خیر واجب نیست ؛ ولی باید شرایط و مسائل امر به معروف را یاد بگیرد تا دچار اشتباه نگردد.<sup>۱</sup>

۲. از نظر شرعی امر به کدام یک از معروفها و نهی از کدام یک از منکرها واجب است؟

---

<sup>۱</sup> . سید مجتبی حسینی ، احکام امر به معروف و نهی از منکر ، ص ۴۰۸

آیات عظام امام ، بهجت ، مکارم شیرازی، فاضل لنکرانی،  
خامنه ای و نوری همدانی : در واجبات و محرمات ، امر و نهی واجب  
و در مستحبات و مکروهات ، امر و نهی مستحب است .<sup>۱</sup>

۳ . اگر کسی عملی را مرتکب شود که مرجع تقلید شخص  
دیگری آن را حرام می داند ؛ ولی به نظر مرجع تقلید خودش  
جایز است ؛ آیا باید او را از آن عمل نهی کند؟

همه مراجع : خیر ، نهی از منکر در این مورد واجب نیست .<sup>۲</sup>

۴ . آیا کسی که خودش به معروف عمل نمی کند و مرتکب  
گناه می شود ؛ حق دارد دیگران را امر و نهی کند ؟

همه مراجع : آری ، بر او هم واجب است که با تحقق شرایط ، امر به  
معروف و نهی از منکر کند . البته باید بداند که اگر بخواهد سخنش در  
قلب دیگران جای گیرد و تأثیر بگذارد ، با عمل و رفتار خود می تواند ، به  
این هدف برسد .<sup>۳</sup>

۵ . وظیفه مردم در قبال بدحجابی و مفاسد موجود در جامعه  
چیست ؟

---

<sup>۱</sup> . توضیح المسائل مراجع ، م ۲۷۸۶

<sup>۲</sup> . صافی ، جامع الاحکام ، ج ۲ ، س ۱۴۷۵ ؛ امام ، تحریر الوسیله ، ج ۱ ، م ۲ ؛ وحید خراسانی ، منهاج  
الصالحین ، ج ۲ ، م ۱۲۷۱ ؛ تبریزی و سیستانی ، منهاج الصالحین ، ج ۱ ، م ۱۲۷۱ ؛

<sup>۳</sup> . امام ، تحریر الوسیله ، ج ۱ ، م ۲ ؛ وحید ، تبریزی و سیستانی ، منهاج الصالحین ، ج ۲ ، م ۱۲۷۲ و ۱۲۷۳  
و ۱۲۷۵ ، صافی ، جامع الاحکام ، ج ۲ ، س ۱۴۵۸ و

**همه مراجع:** وظیفه هر فردی امر به معروف و نهی از منکر است؛ ولی باید به همه شرایط و مراتب آن توجه داشته باشد.<sup>۱</sup>

**۶. بعضی از گناهان (مانند بدحجابی و...) به حدی است که اگر بخواهم تمام وقت را برای آن سپری کنم، باز هم نمی‌توانم به تکلیف خود عمل کنم و از کار و زندگی می‌افتم؛ در این صورت تکلیف چیست؟**

**همه مراجع:** امر به معروف و نهی از منکر، تا جایی که باعث ضرر مالی قابل توجه یا سختی و اختلال در زندگی نشود، واجب است.<sup>۲</sup>

**۷. هرگاه نهی از منکر باعث نگاه به زنان بی‌موالات و آرایش کرده شود، آیا باز هم واجب است؟**

**همه مراجع:** نهی از منکر، ملازم با نگاه کردن نیست و نگاههای قهری و اتفاقی، اشکال ندارد.<sup>۳</sup>

**۸. اگر پدر و مادر انسان مرتکب گناه شوند، آیا نهی از منکر آنان بی‌احترامی محسوب نمی‌شود؟**

**همه مراجع:** خیر، نهی از منکر آنان - با فراهم بودن شرایط آن - بر فرزند واجب است. البته سعی کند این کار را با سخن نرم و اخلاق نیک، انجام دهد و این امر، بی‌احترامی به آنان محسوب نمی‌شود و اگر تاثیر نکرد، وظیفه دیگری ندارد.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> . مکارم شیرازی شیرازی، استفتائات، ج ۱، س ۱۱۵۴؛ خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س ۱۰۸۶؛ امام استفتائات، ج ۱، امر به معروف، س ۱۸؛ تبریزی، استفتائات، س ۹۷۳؛ فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۴۶، صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۴۶۲؛ دفتر: وحید خراسانی، سیستانی، نوری همدانی و بهجت، توضیح المسائل مراجع، م ۲۷۸۹.

<sup>۲</sup> . مکارم شیرازی شیرازی، استفتائات، ج ۲، س ۱۳۷۸، خامنه ای، اجوبه استفتائات، س ۱۰۸۵ و ۱۰۶۷؛ تبریزی، استفتائات، س ۱۵۸۵؛ دفتر: وحید خراسانی، سیستانی، نوری همدانی، صافی، فاضل، امام و بهجت

۱. وهبه زمیلی، اصول الفقه الاسلامی، ج ۱، بیروت: دار الفکر المباشر، ج دوم، ۱۴۲۲ ق.
۲. محمدرضا مظفر، اصول الفقه، تهران: انتشارات اسلامیه، ج ۱، ص ۷؛ ابوالقاسم گرگی، تاریخ فقه و فقها، تهران: چ سمت، ۱۳۷۷، چ سوم.
۳. قرآن کریم ، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی
۴. امام خمینی ، سید روح الله ، استفتائات ، دفتر انتشارات اسلامی ، قم ، اول ، ۱۳۷۲ .
۵. امام خمینی ، سید روح الله ، تحریرالوسیله ، پیام ، تهران ، پنجم ، ۱۳۶۵ .
۶. امام خمینی ، سید روح الله ، توضیح المسائل ، دفتر انتشارات اسلامی ، قم ، نهم ، ۱۳۷۹ .
۷. بنی هاشمی خمینی ، سید محمد حسن ، توضیح المسائل مراجع ، دفتر انتشارات اسلامی قم ، اول ، ۱۳۷۷ .
۸. بهجت ، محمد تقی ، توضیح المسائل ، شفق ، قم ، بیست و چهارم ، ۱۳۷۹ .
۹. تبریزی ، میرزا جواد ، استفتائات جدید ، سرور ، قم ، اول ، ۱۳۷۸ .
۱۰. تبریزی ، میرزا جواد ، توضیح السائل ، سرور ، قم ، هفتم ، ۱۳۷۹ .
۱۱. تبریزی ، میرزا جواد ، منهاج الصالحین ، دارالصدیقه الشهیده ، قم ، دوم ، ۱۳۸۲ .
۱۲. حر عاملی ، محمد بن حسن ، وسائل الشیعه ، مکتبه الاسلامیه ، تهران ، پنجم ، ۱۴۰۱ ق .
۱۳. حسینی خامنه ای ، سید علی ، اجوبه الاستفتائات ، الهدی ، تهران ، اول ، ۱۳۸۱ .
۱۴. حسینی سیستانی ، سید علی ، المسائل المنتخبه ، ستاره ، قم ، ۱۴۱۶ ق .
۱۵. خراسانی ، وحید ، توضیح المسائل ، مدرسه الامام باقر العلوم ( ع ) ، قم ، چهارم ، ۱۴۲۳ ق .
۱۶. صافی گلپایگانی ، لطف الله ، توضیح المسائل ، قم ، دوازدهم ، ۱۴۱۸ ق .
۱۷. مکارم شیرازی ، ناصر ، توضیح المسائل ، هاتف ، مشهد ، هفدهم ، ۱۳۷۶ .
۱۸. نوری همدانی ، حسین ، توضیح المسائل ، موسسه مهدی موعود ، پانزدهم ، ۱۳۷۸ .